

معنی لغات جدید درس دهم

| | | |
|--|--|--|
| رونق داشتن : خوب بودن وضع کسب و کار | حرفه : شغل ، پیشه ، کار | طبع : ذوق، استعداد |
| جويا : کنجکاو ، جستجوگر | اقامت گزیدم : درجایی ساکن شدم ، ماندم | کنج : گوشه |
| فروزان : تابان ، درخشان ، روشن | ذوق : شور و شوق ، علاقه . توانایی | قریحه : ذوق و استعداد |
| عاجز: ناتوان ، درمانده | استعداد : آمادگی ، توانایی | مقصود : خواسته ، آرزو ، نیت |
| لبریز : پر،لبالب | دایرشدن : تشکیل شدن ، ایجاد شدن | سرمشوق : الگو، نمونه |
| فعال: پرکار ، کوشا | فعالیت: کوشش ، تلاش | مکتب : محل درس خواندن، نام مدرسه در قدیم |
| پرشور : پر حرارت ، با هیجان | اجتماع : گروه ، جمعی از دسته های انسانی | از پس : از پشت |
| اطفال : کودکان | ویژه : خاص ، مخصوص | ابداع : نوآوری ، چیزی را از نو پدید آوردن ، ایجاد کردن |
| بام : بالای ساختمان ، پشت بام | پشتکار : تلاش برای انجام کاری ، با علاقه کاری را پیگیری کردن | |
| پند : نصیحت ، اندرز | سرگذشت : شرح حال | اراده : خواست ، میل ، تصمیم |
| صبر : شکیبایی ، بردباری | خشنود : راضی ، خوشحال ، شادمان | آیت : نشانه |
| هما : پرنده ای افسانه ای که سایه اش باعث سعادت مندی می شود | ابوالعجائب : پدر شگفتی ها | |
| ماسوا: موجودات ، مخلوقات ، غیر از خدا | رخ : سیما ، صورت | مسکین : فقیر ، تهی دست |
| قسم : سوگند | کرم : لطف ، جوانمردی ، بزرگواری | نگین : سنگ قیمتی که رویانگشتر می گذارند |
| مدارا : با نرمی و ملایمت رفتار کردن | علم کند : معرفی کند ، برپا کند ، مشهور بسازد | |

واژگان هم خانواده

| | | |
|------------------------------|----------------------|------------------------|
| (کتاب - مکتوب - کاتب - مکتب) | (مقصود - قصد - قاصد) | (راضی - رضایت - مرضیه) |
| (قبول - قابل - مقبول) | (صبر - صبور - صابر) | |